روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۵ ■ ۱۵ شوال ۱۴۳۷ ■ ۲۰ جولای ۲۰۱۶ ■ سال هشتم ■ شماره ۱۹۳۵ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۷ سال و ۲۱۳ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.08 ■ No.1935 ■ Wed.Jul.20, 2016 ■ ISSN:2008-2886

فرماندهی انتظامی هرمزگان خبر داد

کشف بزرگ‌ترین محموله قاچاق توقیف ۲۱۰ کانتینر

■ دستگیری ۲۳ نفر از رابطان و کارکنان سازمان‌های دولتی

صفحه ۴

تحصیل غیرقانونی برادر رئیس‌جمهور در دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فریدون؟

صفحه ۲

بازداشت علی رستگار سرخه مدیرعامل معزول بانک ملت توسط سازمان اطلاعات سپاه

کشف شبکه فساد بانکی

صفحه ۲

عکس: سهیل صحرانورد، فارس

تیترهای امروز

عاملان تجاوز به ۲ نوجوان ایرانی در جده هنوز مجازات نشده‌اند

بی‌غیرتی تا کجا؟!

■ چرا نام عربستان از اعترافات اخیر تروریست‌های دستگیر شده سانسور شد؟

صفحه ۲

قطع یارانه نقدی افراد ادامه دارد

مصائب یارانه حذفی!

صفحه ۳

اعراب در پشت پرده کودتای نافرجام ترکیه

اردوغان با همسایه‌ها مهربان می‌شود!

صفحه ۱۵

حزب کنگره هند خواستار حل‌وفصل بحران از طریق مذاکرات مسالمت‌آمیز شد

ادامه حکومت نظامی در کشمیر

صفحه ۱۵

یادداشت میهمان

ترکیه و تجربه «تبعیت از کفار»

■ دکتر حمیدرضا مقدم‌فر ■

ماجرای کودتای اخیر در ترکیه وجوه قابل تحلیل بسیاری دارد اما مهم‌تر از همه آن است که یک تجربه بسیار عبرت‌آموز در اختیار همگان قرار می‌دهد؛ به نوعی که اگر «تجربه برجام» را نیز در کنار تجربه ترکیه قرار دهیم، می‌توان برهه کوتاه ۴ ساله اخیر را دوران تجربه‌های کم‌نظیر تاریخی برای تجدید معرفت درباره غرب غارتگر نامگذاری کرد و آنچنان که گفته‌اند؛ هر تجربه، عقلی زیاده کند.

«سرانجام اطاعت از کافران»، مهم‌ترین تجربه‌ای است که از کودتای ترکیه می‌توان آموخت. دولت اردوغان که با شعارهای اسلامگرایانه روی کار آمده بود با این تصور که برای توسعه باید به آغوش غرب پناه برد، هر نوع خدمتی که می‌توانست به غرب مستکبر و در راس آنها آمریکا ارائه کرد تا جایی که در کنار رژیم آل‌سعود به دومین ژاندارم غیررسمی آمریکا در منطقه تبدیل شد. دولت اردوغان با حمایت و هدایت آمریکا در کنار آل‌سعود به مهم‌ترین حامی جریان تکفیری برای ریشه‌کن کردن جبهه مقاومت علیه رژیم صهیونیستی تبدیل شد و به‌رغم نمایش‌های چند سال پیش، راه قرابت با صهیونیست‌ها را در پیش گرفت و عملاً به متحدی کاملاً قابل اتکا برای این رژیم مبدل شد.

در حقیقت، بزرگ‌ترین غفلت اردوغان آنجا بود که بین ۲ انتخاب «اطاعت از فرمان قرآن» و «تبعیت از کفار»، گزینه دوم را برگزید و «تکیه بر باد» زد و دید آنچه دید. اگر همه متغیرهای دخیل در کودتای ترکیه را محل تردید بدانیم، در ۲ چیز نمی‌توان شک کرد و شخص اردوغان نیز به این ۲ نکته واقف است. اول آنکه فتح‌الله گولن، متهم اصلی کودتا، تحت حمایت جدی آمریکاست و ایالات متحده به‌رغم تمام درخواست‌ها و پیگیری‌های ترکیه از تحویل وی برای محاکمه و رسیدگی خودداری می‌کند. پیش از این نیز در مواجهه‌های گولن و اردوغان، دولت آمریکا در مقام حمایت پس پرده از گولن برآمده است. دومین نکته غیرقابل تردید نیز آن است که یکی از کشورهای اروپای غربی کانون فرماندهی عملیاتی کودتا بوده است. به عبارت دیگر غرب عملاً به صورت متحد در این ماجرا علیه اردوغان عمل کرده است. همچنین برخی اطلاعات غیررسمی از رسانه‌های غربی نیز حاکی از آن است که آنها از کودتا در ترکیه تا حد زیادی مطلع و برای پوشش آن از پیش آماده بوده‌اند.

ماجرای سوریه، یک نقطه عطف مهم در اشتباهات استراتژیک دولت اردوغان است؛ هرچند این دولت اخیراً تا حد قابل‌توجهی متوجه این اشتباه شده اما مساله آن است که این تنبه زمان زیادی برده و به قول سیدحسن نصرالله باید به اردوغان گفت «صبح بخیر!»؛ اشتباهی که اردوغان را اخیراً به چرخش مواضع واداشته بود و برخی کارشناسان همین چرخش را یکی از دلایل تلاش غرب یا عربستان برای کودتا می‌دانند.

خطای بزرگ اردوغان در تکیه به غرب در حالی است که اولاً تجربه‌های مشابهی همچون عاقبت محمد مرسی، محمد مصدق، قذافی و... پیش روی او بود و می‌توانست از آن عبرت بگیرد و ثانیاً و مهم‌تر آنکه اگر وی صادقانه به اسلام علاقه‌مند است، نهی از تبعیت کافران به صراحت در این کتاب آسمانی مندرج است.

آیه شریفه ۵۲ سوره فرقان، دستور بسیار مهمی از ناحیه پروردگار است که چندی پیش در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری و همچنین در دانشگاه امام حسین(ع) توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی روی آن بسیار تاکید و تفسیر فوق‌العاده جالب و مهمی از آن ارائه شد. ایشان در این سخنرانی تاریخی با قرائت آیه: فلا تطع الکافرین و جاهدهم به جهادا کبیرا؛ تاکید کردند اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نامیده است.

ماجراهای امروز ترکیه، بزرگ‌ترین مصداق پیش روی ماست که به ما نهیب می‌زند عاقبت تبعیت از کفار چیست و چرا تا این حد در قرآن بر عدم تبعیت تاکید و از آن به «جهاد کبیر» تعبیر شده است.

ترکیه اگرچه برای افکار عمومی تجربه بزرگی محسوب می‌شود اما مهم‌تر از آن تجربه‌ای بس عظیم برای دولتمردان است.

ادامه در صفحه ۵

روزنه

آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

■ سعید حاجی‌پور* ■

۱۴ خرداد امسال در سخنرانی سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، رهبر انقلاب نکاتی را پیرامون سرمایه‌گذاری خارجی بیان کردند.

ایشان ضمن موافقت با جذب سرمایه خارجی، متوقف شدن در این امر و موکول کردن برنامه‌های اقتصادی به این موضوع را نادرست دانستند و نسبت به این امر هشدار دادند. همچنین ایشان ۲۵ خرداد در دیدار با مسؤولان نظام، توجه به اولویت‌ها در مصرف منابع خارجی را مهم برشمردند و بر آن تأکید کردند. حال این سوال پیش می‌آید: جذب سرمایه خارجی اساساً به چه میزان و با چه شرایطی در رشد و پیشرفت اقتصادی کشورها مؤثر است؟

لزوم جذب سرمایه خارجی برای کشورهای در حال توسعه بر این دیدگاه استوار است که «به دلیل عدم کفایت میزان پس‌اندازهای مردم در این کشورها جهت مصرف در امور سرمایه‌گذاری، اقتصاد نیازمند جذب سرمایه از خارج است تا این شکاف پس‌انداز کاهش یابد». مضاف بر آن، طرفداران این نگرش معتقدند جریان آزاد سرمایه این امکان را به سرمایه می‌دهد تا با ورود به طرح‌هایی که بیشترین بازدهی را دارند کارآیی اقتصادی را بهبود بخشد. در نتیجه دولت‌ها و شرکت‌ها برای جلوگیری از خروج سرمایه‌ها تلاشی مضاعف برای اداره درست امور اقتصادی از خود نشان می‌دهند. با این استدلال تفکری در «اقتصاد توسعه» شکل می‌گیرد که تأمین سرمایه تنها راه توسعه کشورها قلمداد می‌شود لذا کشورهای صنعتی و سازمان‌های بین‌المللی تلاش می‌کنند با روش‌های مختلف این شکاف را جبران کنند. این دیدگاه در گذر زمان دچار ابهامات اساسی می‌شود. به‌عنوان مثال «ماری شرلی» در کتاب «نهادها و توسعه» می‌نویسد: «سرمایه‌های هنگفتی برای تسریع آهنگ توسعه صرف شده و همچنان وعده داده می‌شود که کمک‌های مالی افزایش خواهد یافت. اما تحقیقات اخیر نشان می‌دهد بین کمک‌های مالی و رشد GDP سرانه و بین کمک‌های مالی و اصلاح سیاست‌های اقتصادی ارتباطی وجود ندارد». با این حال جذب سرمایه خارجی همچنان به‌عنوان یکی از راه‌های- نه راه اصلی- تحقق توسعه از سوی اقتصاددانان نولیبرال عنوان می‌شود.

جریان ورود سرمایه خارجی به کشورهای درحال توسعه در قالب سه عنصر قابل تقسیم‌بندی است؛ کمک‌های بلاعوض، بدهی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها. کمک‌های بلاعوض وجوهی است که از سوی کشورهای فرادست و سازمان‌های بین‌المللی اعطاکننده کمک در راستای پیشرفت و توسعه کشورها در اختیار آنان قرار داده می‌شود که اغلب مشروط به اجرای پیش‌شرط‌های تعیین شده از سوی بانیان آن است.

جریان بدهی‌ها، شامل وام‌های بانکی و اوراق قرضه است. وام‌ها و کمک‌های اعطایی از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و همچنین اوراق قرضه دولتی در این بخش جا می‌گیرد.

جریان سوم شامل سرمایه‌گذاری در قالب تأسیس یا خرید کامل و یا بخشی از سهام شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کشور میزبان است. این جریان با تحقق شرایطی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI نامیده می‌شود. اعطای کمک‌های بلاعوض از سوی سازمان‌های بین‌المللی منوط به وجود شرایطی است. از سوی دیگر جریان بدهی‌ها و سرمایه‌گذاری در سبد سهام بنگاه‌ها بنا به ماهیت‌شان، ناپایداری را به همراه دارد. آنچه باقی می‌ماند جریان جذب سرمایه خارجی در قالب FDI است که طرفداران بسیاری دارد و در کشور ما نیز دنبال می‌شود. لذا در ادامه به بررسی نقاط قوت و ضعف این موضوع می‌پردازیم.

دیدگاه قالب در این زمینه این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی- برخلاف سایر اشکال- از ثبات برخوردار است. علاوه بر آن، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به همراه خود تکنولوژی‌های جدید، مهارت‌ها و سازماندهی‌های نو را به کشور میزبان منتقل می‌کند. با این تفاسیر، همچنان این نوع از سرمایه‌گذاری ابهامات و محدودیت‌هایی را به همراه دارد که پروفسور «ها جون چانگ»، استاد دانشگاه کمبریج آن را در ۵ مورد بیان می‌کند که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

۱- برخلاف ادعای طرفداران این دیدگاه، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همیشه و برای همه کشورها باثبات نیست. برای نمونه مطالعات کارشناسان صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد در مورد نمونه‌ای از ۳۰ کشور در حال توسعه- ازجمله ایران- در دوره ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۴، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در مقایسه با جریان‌های سرمایه‌گذاری در سهام یا جریان بدهی‌ها، نوسانات بیشتری را تجربه کرده است.

۲- برخلاف تصور غالب، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نه‌تنها منبعی باثبات برای ارز خارجی نیست، بلکه می‌تواند اثرات منفی بر وضعیت ارزی کشور میزبان برجا بگذارد. در واقع، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ممکن است برای خرید مواد اولیه و تجهیزات وارداتی تقاضای ارز را افزایش دهد. البته این امر می‌تواند با صادرات کالاهای تولید شده جبران شود اما نتیجه این دادوستد در نهایت مبهم است. به همین دلیل بسیاری از کشورها کنترل و نظارتی را بر درآمدها و هزینه‌های ارزی شرکت‌های خارجی اعمال می‌کنند.

۳- شرکت‌های چند ملیتی جهت کاهش هزینه‌های مالیاتی، رویه‌ای را در پیش می‌گیرند که طبق آن، شرکت‌های وابسته به شرکت مادر، صورتحساب‌هایی بیشتر و یا کمتر از مبلغ واقعی صادر می‌کنند به گونه‌ای که بالاترین سود در شرکت‌های فرعی‌ای نشان داده شود که کشور میزبان کمترین نرخ مالیات بر درآمد را برای آنها اعمال می‌کند. این اتفاق که از آن به‌عنوان «قیمت‌گذاری غیرواقعی انتقالات» یاد می‌شود می‌تواند تعهدات مالیاتی شرکت‌ها را در مقیاس وسیعی کاهش دهد که این امر به ضرر کشورهای میزبان است.

۴- آنچه به‌عنوان یکی از فواید اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیان می‌شود انتقال تکنولوژی به کشور میزبان است. این امر نیز با ابهامات فراوانی همراه است. در این موضوع، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را می‌توان به دو قسم بیان کرد. اول، ایجاد و تأسیس یک بنگاه اقتصادی توسط سرمایه‌گذار خارجی که آن را «سرمایه‌گذاری بکر» می‌نامیم. دوم، خرید تمام یا بخشی از یک بنگاه و شرکت موجود در کشور میزبان که «سرمایه‌گذاری سوخته» نامیده می‌شود.

در قسم دوم عموما امکانات تولیدی جدیدی ایجاد نمی‌شود و روند گذشته ادامه می‌یابد. همچنین هدف نهایی بخشی از این سرمایه‌گذاری‌ها خرید بنگاه است- که عموما در زمان بحران کمتر از قیمت واقعی به فروش می‌رسد- تا در آینده با قیمت بالاتری به دیگری واگذار شود. در شیوه دیگر ممکن است سرمایه‌گذار با اوراق کردن امکانات بنگاه و فروش آن به قیمت بالاتر از ارزش خرید به دنبال کسب سود باشد که در این روش بنگاه به ورطه نابودی کشیده می‌شود. البته استثناهایی نیز در این روندها وجود دارد بدین صورت که سرمایه‌گذاری سوخته همراه با انتقال تکنولوژی و سودآوری باشد. انتقال تکنولوژی در سرمایه‌گذاری‌های بکر نیز با اما و اگرهایی همراه است.

۵- تأثیرات مهمی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند بر بنگاه‌های رقیب داخلی در حال و آینده بگذارد اغلب نادیده گرفته می‌شود. ورود یک شرکت بزرگ خارجی می‌تواند باعث نابودی تولیدکننده داخلی- که توان رقابت ندارد- شود یا از ظهور بنگاه‌های جدید جلوگیری کند.

البته با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثرات مثبتی بر اشتغال کشور میزبان دیده می‌شود. همچنین می‌تواند با انتقال تکنولوژی- اگر سرمایه‌گذار قائل به انتقال تکنولوژی باشد و بشود- و کسب مهارت توسط کارگران محلی همراه باشد. خرید بخشی از تولیدات داخلی و استفاده از آن در روند تولید شرکت‌های جدید نیز از تأثیرات مهم این جریان است که می‌تواند باعث بهبود تکنولوژی در میان تولیدکنندگان داخلی شود. این تأثیرات که به‌عنوان «تأثیرات سرریز» از آن یاد می‌شود یقیناً به توانایی‌های تولید بلندمدت یک کشور می‌افزاید و به‌هیچ‌وجه نباید نادیده گرفته شود.

همچنان که در جمله‌ای معترضه گفته شد، تحقق تأثیرات سرریز هم با ابهام همراه است، به‌گونه‌ای که شرکت‌های خارجی می‌توانند با اتخاذ تصمیماتی این میزان را به حداقل برسانند. به همین دلیل دولت‌ها تلاش می‌کنند با اتخاذ تدابیری میزان این تأثیرات را به حداکثر برسانند. از جمله این تدابیر شروطی است که امکان انتقال تکنولوژی به داخل را افزایش می‌دهد. استفاده از تولیدات داخلی و شروط صادراتی از جمله این تمهیدات است. به‌عنوان نمونه، دولت بریتانیا در ۱۹۸۱، پس از تأسیس شرکت ژاپنی نیسان در این کشور، این شرکت را موظف کرد ۶۰ درصد از ارزش اضافی را از داخل تأمین کند، همراه با یک جدول زمان‌بندی که طی آن این نسبت را به ۸۰ درصد برساند. لذا ضابطه‌مندی، هدایت و نظارت بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امری ضروری و متداول در کشورهاست. برخلاف دیدگاه غالب که این محدودیت‌ها را مانعی بر سر راه جذب سرمایه قلمداد می‌کند، واقعیت به‌گونه‌ای دیگر است. بسیاری از شرکت‌ها بیش از آنکه به این محدودیت‌ها توجه کنند به پتانسیل بازار، کیفیت نیروی کار و زیرساخت‌های کشور میزبان توجه دارند.

حقیقت امر در این موضوع نهفته است که جذب سرمایه خارجی بدون هدایت و ضابطه‌مندی نه‌تنها اثرات مثبت بر روند توسعه ندارد بلکه می‌تواند مانعی بر سر مسیر توسعه و پیشرفت کشور شود. ساده‌انگاری است اگر خیال کنیم شرکت‌های بزرگ خارجی در نهایت صداقت به دنبال انتقال تکنولوژی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای در حال توسعه هستند. دکتر مسعود درخشان، اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی در دیدار اخیر اساتید دانشگاه با رهبر انقلاب صراحتاً به این موضوع اشاره کرد: «انتقال فناوری در چارچوب قراردادهای نفتی سرابی بیش نیست. سوابق تاریخی نشان می‌دهد از دارسی تاکنون، در هیچ قرارداد نفتی هیچ فناوری‌ای توسط هیچ یک از شرکت‌های نفتی، به صنعت نفت کشور منتقل نشده است».

از سوی دیگر اساس بحث پیرامون جذب سرمایه خارجی- که به آن اشاره شد- بر پایه فرضی با عنوان کمبود پس‌انداز بنا شده است حال آنکه بررسی وضعیت پس‌اندازهای مردم در بانک‌ها نشان از حجم بالای این مبالغ است. لذا می‌توان با تخصیص بهینه این منابع داخلی در مرحله اول نیاز کشور به سرمایه را برطرف کرد. علاقه وافر برخی مسؤولان به جذب سرمایه خارجی بدون توجه به اثرات مبهم و گاه منفی آن و عدم تلاش برای بهبود وضعیت تخصیص منابع داخلی این مصرع را به یاد می‌آورد که «آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد».

*کارشناس ارشد اقتصاد انرژی

نگاه

پیام انتصابات اخیر دولت

■ محمد زعیم‌زاده ■

۱- حسن روحانی در جلسه چهارشنبه گذشته هیات دولت و یک سال پس از تصویب برجام در نطقی کوتاه- که از سیمای جمهوری اسلامی ایران هم پخش شد- ترجیح داد به جای صحبت کردن درباره عواید اقتصادی و مالی توافق هسته‌ای، درباره نتایج احتمالی عدم توافق صحبت کند و با طرح ادعاهایی چون در صورت عدم توافق فروش نفت ایران به صفر می‌رسید و وضعیت مالی کشور چنین و چنان می‌شد یا اینکه توافق جلوی جنگ را گرفت، از اعلام موضع صریح درباره مساله رفع تحریم‌ها خودداری کند.

همزمان موسسه کانادایی ایران‌پل در نظرسنجی جدیدش اعلام کرد بیش از ۷۰ درصد ایرانی‌ها معتقدند وضعیت اقتصادی آنها پس از برجام تغییر مثبتی نکرده است. بر پایه یافته‌های این نظرسنجی که در بازه ۲۸ خرداد تا ۷ تیر ۹۵ انجام گرفته است، محبوبیت «حسن روحانی» نسبت به سال گذشته در میان ایرانیان ۲۳ درصد کاهش یافته است، همچنین میزان کسانی که حاضرند در شرایط فعلی به روحانی رای دهند حدود ۸ درصد کاهش یافته و میزان اقبال به رقیب اصلی وی حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است.

۲- تنزل محترمانه «مجید انصاری» عضو باسابقه مجمع روحانیون مبارز و از عناصر تشکیلاتی جریان دوم خرداد، به یک معاونت تشریفاتی و ارتقای قائم‌مقام اصولگرای وزیر کشور به معاونت مهم پارلمانی رئیس‌جمهور- که نشان از تقویت لابی روحانی و لاریجانی دارد- و همین‌طور انتصاب ۲ چهره نزدیک به جریان راست به سمت‌های قائم‌مقام وزیر کشور و بازرس ویژه ریاست‌جمهوری، در بدایت امر شاید ارتباطی با مساله اول نداشته باشد اما اگر کمی دقیق‌تر به صحنه احتمالی انتخابات سال ۹۶ بنگریم، رابطه معناداری بین این انتصابات و آن انتخابات خواهیم یافت. انتصابات بالا که نوعی چراغ سبز حسن روحانی به جریان راست سنتی به حساب می‌آید، باید در کنار سخنان «باهنر» و «مصباحی‌مقدم» مبنی بر حمایت احتمالی سنتی‌ها از روحانی، یکجا دیده شود. حسن روحانی به عنوان یک چهره پرسابقه سیاسی از تبعات احتمالی این انتصاب‌ها در بدنه اجتماعی هواداران خود با گرایش اصلاح‌طلب باخبر است.

ادامه در صفحه ۵